

طلاق به خاطر فراموشی جشن سالگرد

گروه حوادث - کامران علمدهی / صبح یک روز آبروی و سرد زمستان زوج جوانی راهی دادگاه خانواده شدند تا به باور خود بهترین تصمیم را برای زندگی مشترکشان بگیرند.

رضا ۳۰ ساله و نازنین ۲۷ ساله به طبقه اول مجتمع خانواده رفتند و پشت در بسته یکی از شعبه‌ها به انتظار آغاز وقت رسیدگی به پرونده‌شان نشستند.

دادگاه خانواده

رضا همانطوری که در تلفن همراهش متنی را تایپ می کرد و برای کسی می فرستاد رو به نازنین کرد و با لبخندی تمسخرآمیز گفت واقعا تو خجالت نمی کشی که به خاطر این موضوع می خواهی از من جدا شوی؟! تولد و سالگرد و ماهگرد چقدر اهمیت دارد که می خواهی زندگی مان را به خاطر فراموشی این تاریخ‌ها تپاه کنی؟

نازنین بدون آنکه به چهره همسرش نگاه کند جواب داد: موضوع فراموشی تاریخ سالگرد و تولد نیست ایده آل های من و تو باهم فرق دارد و همین موضوع باعث شده من تو را درک کنم و نه تو من را بفهمی. مطمئن باش تصمیم من به نفع هردوی ماست.

دقایقی از بحث این زوج نگذشته بود که منشی دادگاه آنها را به داخل شعبه فراخواند.

قاضی که مردی میانسال با ته ریش سفید بود نگاهی به آنها کرد و سپس از زن جوان پرسید: شما ۴ سال از ازدواجتان گذشته و به این زودی تصمیم به جدایی گرفتید؟ چه موضوعی باعث شده که فکر کنید این زندگی باید تمام شود؟

نازنین جواب داد: جناب قاضی همسر من در این مدت رفتارهایی کرد که دیگر تاب تحمل آن را ندارم. من و رضا بواسطه یک دوست مشترک باهم آشنا شدیم و بعد از ۴ ماه هم به خاطر علاقه‌ای که بین ما به وجود آمد تصمیم به ازدواج گرفتیم. پدر و مادرم بارها از من خواستند تا برای ازدواج عجله نکنم و حداقل یک سال باهم نامزد کنیم تا یکدیگر را بیشتر بشناسیم اما من مخالفت کردم و در نهایت هم با خواست و اصرار خودم با رضا ازدواج کردم.

قاضی با لبخند گفت: پس معلومه آدم عجولی هستی؟ نازنین گفت: بله متأسفانه قدری عوجولم اما خیلی هم مقید به آداب و رسوم هستم. برای من احترام گذاشتن به دیگران و یادآوری مراسم و تاریخ‌های خاص خیلی اهمیت دارد و همه دوست‌ها و نزدیکانم این را می دانند اما رضا کلاً اعتقادی به این باورها ندارد.

رضا که از ابتدای جلسه ساکت بود به یکباره حرف‌های نازنین را قطع کرد و گفت: آقای قاضی من در بازار کار می کنم و از صبح تا شب گرفتار کار و مشکلاتم هستم و سعی می کنم با تلاش و کار خانوادهم در راه باشم اما در این دوسال هربار که به خانه می آیم و قیافه ناراحت همسرم را می بینم باید فکر کنم که امروز سالگرد ازدواج و تولد چه کسی بوده یا به چه کسی باید تبریک می گفتم که نگفتم. آقای قاضی من آنقدر دغدغه دارم که نمی توانم تاریخ تولد و سالگرد ازدواج دوست و فامیل را به ذهن بسپارم. نازنین گفت: تو حتی سالگرد ازدواج و نامزدی و عقد خودمان را هم یادت نیست اگر من چیزی نگویم حتی نمی دانی تولد من چه روزی است و...

رضا با لبخندی گفت: مگر می شود تاریخ تولدت یادم نباشد؟ نازنین جواب داد: اگر راست می گویی ما کی عقد کرده‌ایم؟ اگر گفتی من همینجا از تو عذرخواهی می کنم...

رضا در حالی که مشخص بود جوابی برای سؤال نازنین نداشت سکوت کرد اما بعد از چند لحظه از کوره در رفت و با صدایی بلندتر گفت: اصلا تو دنبال چی هستی؟ با این سؤال‌های مزخرف می خواهی به کجا برسی؟ اگر نمی خواهی با من زندگی کنی نکن و طلاق را بگیر و برو. اصلا من با آدمی که می خواهی مدام ضایع کند زندگی نمی کنم... در این لحظه قاضی رضا را به آرامش دعوت کرد و گفت: به نظرم این مسائل قابل صحبت و حل کردن است. خیلی زود تصمیم نگیرید. من از حرف‌ها و نگاه‌های شما متوجه شدم با اینکه از هم دلخورید اما یکدیگر را دوست دارید. به همین خاطر شما را به جلسات مشاوره ارجاع می دهم و امیدوارم که مشکلات حل شود بعد از آن اگر دیدم مشکل حل نشد تصمیم می گیرم.

نگاه کارشناس

احمد نوروند / کارشناس علوم تربیتی و مشاور

در بررسی زندگی این زوج دو نکته مهم به چشم می خورد نخست اینکه زوجین پیش از ازدواج باید به نظر‌ها، ایده‌آل‌ها و خواسته‌های یکدیگر توجه کنند. حال ممکن است گاهی اوقات یکی از طرفین برخی از این مولفه‌ها را کوچک بشمارد و همین نکته باعث رنجش طرف مقابل شود و فکر کند که شریک زندگی‌اش توجهی به ارزش‌های او ندارد و احترامی برای آن قائل نیست. حال آنکه افراد در زندگی مشترک می توانند با یک جمله محبت آمیز و یک جشن بدون تشریفات علاوه بر شاد کردن دل یکدیگر، به خواسته‌ها، نظر‌ها و ایده‌آل‌های هم احترام بگذارند.

در زندگی مشترک بخصوص برای زوج‌های جوان یک تبریک ساده در مناسبت‌های مهم باارزش‌تر از هدایای گرانقیمت است. اما بسیاری از مردها بر این باورند که چون کار می کنند و شرایط رفاهی خانواده را فراهم می کنند، این نشانه عشق و علاقه به همسر است و آنها دیگر نباید از وی انتظار ابراز علاقه و توجه بیشتری داشته باشند در حالی که نباید به این موضوع اینگونه نگاه کرد. در حقیقت ابراز علاقه زبانی بسیار مهم است چرا که شاید طرف مقابل ما نداند در ذهن ما چه می گذرد و این موضوع مسأله مهمی است که امروزه از طرف زوجین مورد غفلت قرار می گیرد.

نکته دوم افراط در برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌هاست. امروزه شاهدیم که برخی از زوجین برای هر مناسبتی و حتی گاه بدون مناسبت تمایلی به برگزاری جشن دارند، صدمین هفته آشنایی، هفتادمین روز نامزدی و... مطالبه کردن این مناسبت‌ها وقتی وارد چرخه افراط شود، افراد را به دردمس و استرس ناشی از فراموشی آن مناسبت‌ها می اندازد. در حالی که ما با چند مناسبت مشخص می توانیم بستر شادی را مهیا کنیم و نباید مدام به دنبال این غافلگیری کردن‌ها باشیم و با این کار معمم مناسبت‌های واقعی را هم از بین ببریم و زندگی کردن را فراموش کنیم.

پله برقی انگشت پای دختر ۳ ساله را قطع کرد

گروه حوادث / شکستگی پله برقی یکی عابر پیاده انگشت پای دختر ۳ ساله را بلعید. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پنجشنبه ۶ بهمن، زن جوانی به همراه پسر ۳ ساله و دختر ۳ ساله‌اش برای خرید از خانه خارج شدند. آنها برای عبور از عرض خیابان تصمیم گرفتند از پله برقی استفاده کنند اما زمانی که مادر و فرزندانش قدم روی پله برقی گذاشتند، روی آخرین پله ناگهان پای چپ دختر ۳ ساله داخل شکستگی پله برقی گیر کرد و پس از پاره کردن کفش دخترک، انگشتان پای چپه را بلعید. با اعلام موضوع به آتش‌نشانی و اورژانس پس از زها کردن پای چپه از داخل پله برقی مشخص شد یکی از انگشتان او قطع شده است، بنابراین دخترک بلافاصله برای درمان به بیمارستان منتقل شد اما از آنجایی که انگشت قطع شده پیدا نشده بود، خادر درمان موفق به پیوند نشدند. با قطع انگشت پای دختر سه ساله، پدر و مادر وی با شکایت از مسئولان مربوطه، پرونده‌ای در دادسرای بعثت تشکیل دادند و خواهان رسیدگی به این ماجرا شدند.

عامل تیراندازی مرگبار به قهوه‌خانه در یک قدمی چوبه‌دار

گروه حوادث / عامل اصلی تیراندازی مرگبار مقابل قهوه‌خانه‌ای در مشیریه تهران که به دوبار قصاص و اعدام محکوم شده است، بزودی پای چوبه دار خواهد رفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه پنجشنبه ۱۴ آذرماه سال ۹۸، دو مرد مسلح در حالی که صورت‌هایشان را با نقاب پوشانده بودند در خیابان مشیریه از خودروی پژویی پیاده شده و قهوه‌خانه را به رگبار بستند. آنها ۱۵ تیر شلیک کردند که در این ماجرا یک راننده اسنپ به قتل رسید. همچنین مرد جوانی داخل قهوه‌خانه و پسر ۱۳ ساله‌ای که در حال دوچرخه‌سواری در خیابان بود، مجروح شدند. مرد جوان پس از انتقال به بیمارستان تسلیم مرگ شد و بدین ترتیب قربانیان این حادثه به دو نفر رسید.

با شروع تحقیقات مشخص شد، هدف اصلی مردان مسلح فردی به نام سیروس بوده که پاتوقش در قهوه‌خانه بوده است، اما وی آن شب به آنجا نرفته بود. وقتی سیروس به اداره پلیس منتقل شد در تحقیقات گفت: چند ماه قبل مرد جوانی در منطقه ورامین با شلیک گلوله به قتل رسید.

او از افراد شرور منطقه بود و دوستان و اقوامش تصور می کردند که من در ماجرای قتل او مقصر هستم. به همین دلیل کینه به دل گرفته و درصدد انتقامگیری بودم. در ادامه تحقیقات، عوامل این تیراندازی دستگیر شدند و در بازجویی‌ها انگیزه خود را انتقامجویی عنوان کردند.

یکی از متهمان گفت: مدتی قبل یکی از دوستانمان به دست چند نفر کشته شد. پسری به نام سیروس حدود بیست روز قبل در اینستاگرام استوری لایو گذاشته و به



رفیقم که کشته شده بود، فحاشی کرد. به همین خاطر می خواستیم از او انتقام بگیریم، فکر می کردیم او داخل قهوه‌خانه است.

او ادامه داد: آن شب مست بودم ساعت حدود ۷ شب بود که از پاکدشت به تهران آمدم. برادرم راننده ماشین بود، خودرو را سر کوچه پارک کردیم و درحالی که برادرم داخل ماشین بود من و رفیقم، همان که فراری است از ماشین پیاده شدیم.

من اسلحه داشتم و رفیقم قمه داشت. رفیقم با شمشیر وارد قهوه‌خانه شد و با شمشیر به شیشه‌ها زد و من هم بیرون قهوه‌خانه تیراندازی می کردم. البته این را هم بگویم که شب قبل از این ماجرا سیروس به همراه دوستانش به پاکدشت آمده بود و با هم درگیر شدیم.

با اعتراف مرد جوان و همدستانش، آنها به بازسازی صحنه قتل‌ها پرداختند.

با پایان تحقیقات، کیفرخواست متهم برای دو قتل و همچنین محاربه به خاطر رعب و وحشتی که به‌وجود آورده بود، صادر شد.

پرونده برای رسیدگی از جنبه اتهام دو قتل به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد و قضات شعبه ۲ دادگاه کیفری، متهم اصلی را به دو بار قصاص محکوم کردند. همچنین در رابطه با اتهام محاربه در شعبه ۲۴ دادگاه عمومی و انقلاب، متهم جوان نیز پای میز محاکمه رفت و در دادگاه به یک بار اعدام محکوم شد.

با تأیید این دو حکم در دیوان عالی کشور، پرونده تیراندازی در مقابل قهوه‌خانه به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد و بزودی متهم پای چوبه دار خواهد رفت.

گاز فندک جای مرد میانسالی را گرفت

گروه حوادث / مرد میانسالی هنگام پر کردن گاز فندک بر اثر انفجار جان باخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران» صبح شنبه ۱۶ بهمن مرد میانسالی برای دیدن دوستش راهی خانه او شد.

بعد از چندین بار که زنگ خانه دوستش را به صدا در آورد از آنجایی که کسی پاسخگو نبود با کلیدی که همراه داشت وارد خانه شد. اما به محض ورود با جسد دوستش در حالی مواجه شد که دچار سوختگی شده و جان باخته بود.

با اعلام موضوع به پلیس بلافاصله مأموران به دستور بازپرس وحید ناصری راهی محل شدند.

مرد میانسالی در حالی مواجه شدند که از ناحیه شکم دچار سوختگی شده بود و کیسولنی که برای پر کردن گاز فندک از آن استفاده می شد، ترکیده بود.

در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد مرد میانسالی در حال پر کردن گاز فندکش بوده اما از آنجایی که کیسول را به سمت شکمش گرفته ناگهان کیسول منفجر شده و بر اثر این انفجار و آتش‌سوزی ناشی از آن جان باخته است.

محاکمه ۲ پسر به اتهام آزار دختر جوان در باغ



گروه حوادث / دو پسر جوان به اتهام تعرض به یک دختر و تهیه فیلم سیاه برای اخذی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شهریور سال گذشته با شکایت دختر ۱۹ ساله‌ای به نام مریم که مدعی بود از سوی دو پسر جوان مورد تعرض قرار گرفته، آغاز شد.

مریم در توضیح ماجرا به مأموران گفت: چند هفته قبل از این ماجرا در فضای مجازی با پسری به نام شهرام آشنا شدم که ۲ سال از خودم بزرگتر بود.

بعد از چندین بار تماس تلفنی قرار شد حضوری همدیگر را ملاقات کنیم، وقتی او را دیدم علاقه‌م بیشتر شد و او هم گفت که از من خوش‌اش آمده است. بعد از چند هفته شهرام من را به یک مهمانی در باغ یکی از دوستانش دعوت کرد

بعد از چندین بار تماس تلفنی قرار شد حضوری همدیگر را ملاقات کنیم، وقتی او را دیدم علاقه‌م بیشتر شد و او هم گفت که از من خوش‌اش آمده است. بعد از چند هفته شهرام من را به یک مهمانی در باغ یکی از دوستانش دعوت کرد

بعد از آنجایی که تقریباً به او اعتماد داشتم، پذیرفتم. ساعت ۵ عصر با هم قرار گذاشتیم او به دنبالم آمد و با هم به باغی در ورامین رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم، یک ساختمان وسط باغ بود اما همه جا خلوت و آرام بود با تعجب گفتم مگر قرار نبود مهمانی باشد؟ شهرام گفت مهمانی در زیرزمین است تا صدا بیرون نرود. وقتی وارد ساختمان شدیم شاهرخ دوست شهرام آنجا بود. بعد از دقایقی به یکباره شهرام و دوستش به سمت حمله کردند و من را مورد آزار و اذیت قرار دادند. هرچقدر التماس کردم آنها توجهی نکردند و از من فیلم هم گرفتند.

پس از آن هم تهدیدم کردند که اگر به کسی حرفی بزنم، فیلمم را منتشر می کنند. من تا یک ماه پس از این ماجرا سعی کردم موضوع را با کسی در میان نگذارم اما شهرام

بعد از چند روز دوباره با من تماس گرفت و با یادآوری فیلم ضبط شده و تهدید از من خواست به او پول بدهم.

پس از اظهارات دختر جوان، مأموران دو متهم را شناسایی و بازداشت کردند و هر دو ضمن اعتراف به رابطه با شاکي مدعی شدند وی به خواست خودش به باغ آمده و تهدید و اجباری در کار نبوده است.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه شاکي به جایگاه رفت و گفت: من به شهرام اعتماد کرده بودم اما وقتی این اتفاق رخ داد و او مرا با انتشار فیلم سیاه تهدید کرد و قصد اخذی داشت تصمیم به شکایت گرفتم و خواستار اشد مجازات برای متهمان هستم.

پس از آن متهمان یک به یک به جایگاه رفتند و شهرام در پاسخ به سؤال قاضی که آیا فیلمی هم از این رابطه تهیه کرده‌اید، گفت: ما نه فیلمی گرفته‌ایم و نه تهدیدی کرده‌ایم اصلا وقتی فیلمی نداریم با چه چیزی او را تهدید کنیم. ما پس از اینکه متوجه شدیم مریم از ما شکایت کرده تعجب کردیم چرا که ما رابطه دوستانه‌ای با هم داشتیم. پس از اظهارات متهمان، قضات برای صدور رای وارد شدند.

مرگ مشکوک پسر معتاد در کمپ ترک اعتیاد

گروه حوادث / ازگشایی از مرگ مشکوک پسر جوانی که برای ترک اعتیاد به کمپ رفته بود به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ صبح دوشنبه ۱۷ بهمن، گزارش مرگ پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس محمد حسین زارعی اعلام شد. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که پسر جوانی چند روز قبل برای ترک اعتیاد به کمپ انتقال داده شده بود اما چند روز بعد او را با حالی وخیم به بیمارستان منتقل کردند. پسر جوان مدتی در بیمارستان بستری شد و در نهایت فوت کرد. این در حالی بود که خانواده پسر جوان نیز از مسئولان کمپ ترک اعتیاد شکایت کرده و مدعی بودند زمانی که پسرشان به کمپ رفته مشکلی نداشته است. به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی تهران، جسد پسر مشخص شدن علت نهنای مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

پایان مرگبار بازی کودکان ۲ برادر

گروه حوادث / پسر ۷ ساله به علت افتادن برادر ۱۰ ساله‌اش روی شکم او جان باخت. سرهنگ کامران چراغی، فرمانده انتظامی شهرستان چهارباغ گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر مرگ مشکوک یک کودک ۷ ساله در یکی از مراکز درمانی شهر چهارباغ استان البرز، بررسی موضوع در دستور کار مراجع انتظامی قرار گرفت. با حضور مأموران در محل و بررسی موضوع مشخص شد این دو برادر در حال بازی بودند که ناگهان برادر بزرگ‌تر که ۱۰ ساله بوده روی شکم برادر ۷ ساله‌اش افتاده و در اثر ایراد صدمه این پسر بچه به دلیل خونریزی داخلی جانش را از دست داده است. فرمانده انتظامی شهرستان چهارباغ خاطر نشان کرد: در این زمینه پرونده تشکیل و برای بررسی موضوع به مراجع قضایی ارسال شد.

بر اساس آمار سوانح رانندگی سالانه در کشور

۳ هزار کودک در تصادفات کشته می‌شوند

۶۰ درصدی جانباختگان حوادث رانندگی طی سه سال آینده گفت: یک بخشی را ما انجام دادیم، بخش دیگر مربوط به وضعیت معابر و... است. موضوع ما در این مسیر روشن است و مردم نیز از مطالبات ما باخبرند. مسئولان و افرادی که باید در این زمینه کار کنند نیز در این خصوص از مواضع ما و مطالبات ما آگاه هستند.

رادان در پاسخ به پرسشی مبنی بر جمع‌شماره‌های امدادی در جاده‌ها، گفت: برای مردم راحت‌تر است که هنگام حادثه با یک شماره تماس بگیرند و در واقع دستگاه‌هایی مانند اورژانس، هلال احمر، پلیس و... در جاده‌ها باید دارای یک شماره واحد باشند. به نظرم آشناترین و شناخته‌ترین شماره برای مردم نیز همین شماره ۱۱۰ است. وی ادامه داد: اگر بتوانیم سرعت انتقال مصدومان به مراکز درمانی را ۳۰ درصد افزایش دهیم، حدود ۴۲ درصد در تصادفات تلفات مؤثر خواهد بود.

رادان با بیان اینکه دولت و مجلس به ما قول کمک دادند، گفت: برای دولت انقلابی دغدغه مردم مهم است و یکی از این دغدغه‌ها ایمنی و راه است.

■ **راندانزی کمپین ۱۸-۱۸ پلیس راهور**

سردار سیدکمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور فراچا نیز از افتتاح مرکز پاسخگویی پلیس راهور خیر داد و گفت: این مرکز در واقع یک مرکز مشاوره و پاسخگویی به سوالات است که ۲۱ خدمت را به مردم ارائه می کند. شماره آن نیز همان شماره تلفن ۱۲۰ بوده و مردم می توانند با آن تماس بگیرند.

هادیانفر به آمار جانباختگان حوادث رانندگی نیز اشاره کرد و گفت: در کشور ما سالانه ۱۷ هزار فوتی و حدود ۳۰۰ هزار نفر مجروح در حوادث رانندگی رخ می دهد که ما طبق برنامه‌ریزی باید این آمار را کاهش دهیم.